

## پیشگفتار

«فقر فلسفه» برای نخستین بار در تابستان ۱۸۴۷ بزبان فرانسه منتشر شد. اساس این نوشته علیه گرایش های رفرمیستی در جنبش کارگری است. این اثر پاسخی است به «فلسفه فقر» پرودون و جهان بینی پر از تناقض و خیال پردازانه خرده بورژوائی او که می کوشید در مقابل با توسعه سرمایه داری که برای او عواقب نابود کننده ای دارد- مقابله کرده و در عین حال سعی کند که شالوده اقتصاد سرمایه داری، یعنی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و کار مزدی را حفظ نماید. کارل مارکس در این نوشته نشان می دهد که تمام نقشه هائی که برای از بین بردن «جنبه های بد» سرمایه داری در چهارچوب مناسبات سرمایه داری، طرح می شوند، فاقد هرگونه پایه تنوریک است. مارکس به این ترتیب با ایدئولوژی رفرمیستی که حاملان آن سعی دارند به وسیله برنامه اصلاحاتی جرنی، طبقه کارگر را از مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی باز دارند- به مقابله می پردازد.

«فقر فلسفه» یکی از مهمترین آثار تنوریک سوسیالیزم علمی است. مارکس با انتشار این اثر فلسفی- اقتصادی، برای اولین بار اصول تعالیم ماتریالیستی خود را در مورد قوانین مربوط به تکامل اجتماعی انتشار می دهد. کارل مارکس در این اثر برخی از ایده های اساسی مربوط به تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریا را تکامل می دهد.

مارکس در «فقر فلسفه» جهان بینی ایده آلیستی و متدهای متافیزیکی پرودون را مورد استفاده قرار می دهد و جهان بینی علمی نوین پرولتری را تشریح کرده و از آن به دفاع می پردازد.

مارکس در قیاس با آثار قبلی اش، در این کتاب استدلال کامل تر و توسعه یافته تری از روش دیالکتیکی خود ارائه داده و برخلاف دیالکتیک ایده آلیستی هگل که واقعیت حقیقی را به عنوان تبلور «ایده مطلق» معرفی می کند ایده ها تجربیات و مقولات منطقی را به عنوان بازتاب عینی روند دیالکتیکی ای که مستقل از اراده و آگاهی انسان ها بوده و در دنیای واقعی صورت می گیرد، معرفی می کند.

مارکس در «فقر فلسفه» به تشریح قوانین عینی تکامل تولید مادی پرداخته و مفهوم «نیروهای مولده» را بیان نموده و نشان می دهد که نه فقط ابزار تولید بلکه حتی خود کارگران، جزئی از نیروهای مولده را تشکیل می دهند. او متذکر می شود که «بزرگ ترین نیروهای مولده، خود طبقه انقلابی است». مارکس به نقش تعیین کننده نیروهای مولده در تکامل جامعه، اشاره کرده و ارتباط دیالکتیکی و تأثیرات متقابل نیروهای مولده و مناسبات تولیدی را توضیح می دهد و ثابت می کند که تضادهایی که در مرحله مشخصی از تکامل جامعه طبقاتی، میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی بوجود می آید، به طور گریزناپذیری موجب تشدید مبارزه طبقاتی شده و در نتیجه، شیوه تولید قدیم به وسیله شیوه جدید مترقی تری جانشین می گردد. به قول مارکس فقط جامعه سوسیالیستی بدون طبقه است که در آن «تکامل تدریجی جامعه، دیگر انقلاب سیاسی نیست».

مارکس در «فقر فلسفه» شالوده اقتصاد سیاسی مارکسیستی را پی ریزی کرده و در آثار بعدی خود یعنی در کتاب «نقد اقتصاد سیاسی» و هم چنین در اثر معروفش «سرمایه» به تفصیل آن ها را تشریح می کند و تصورات متافیزیکی اقتصاددانان بورژوا، مبنی بر ابدی و خلل ناپذیر بودن قوانین اقتصادی را از دیده دیالکتیک مادی تجزیه و تحلیل می کند و خصلت تاریخی ناپایدار و آنتاگونیستی مناسبات اقتصادی سرمایه داری را افشاء می کند.

مارکس شرایط تشکیل جامعه سرمایه داری را از دیدگاه نوین و علمی بررسی کرده و نقش صنعت بزرگ را در توسعه سرمایه داری تشریح می نماید. او جنبه های

مختلف تولید سرمایه داری یعنی رقابت و تقسیم کار سرمایه داری را تجزیه و تحلیل نموده و نشان می دهد که تمرکز ابزار تولید و تقسیم کار، به طور ارکانیک با یکدیگر مربوط می باشند و هر نوع اختراع جدیدی در زمینه تکنیک، تقسیم کار و تخصصی شدن تولید را تشدید می نماید. مارکس تأکید می کند که سرمایه داری به طور اجتناب ناپذیری موجب هرج و مرج در تولید و فقر توده ها می گردد. او خصلت استثماراری سیستم کارمزدی را افشاء نموده و قانون عام انباشت سرمایه را فرمول بندی کرده و می گوید در سیستم سرمایه داری «به همان نسبت که ثروت ساخته می شود، فقر نیز آفریده می شود.»

مارکس، در «فقر فلسفه» شالوده آموزش مارکسیستی در مورد ارزش، پول، مزد کار، سود و بهره مالکانه را ریخته و در مورد ملی کردن زمین که از نظر او در شرایط جامعه سرمایه داری، به عنوان قاطعانه ترین اقدامات بورژوائی تلقی می شود، مطالب بنیادی ای مطرح می سازد.

مارکس در «فقر فلسفه» و در چند اثر دیگر خود مقدمات تدوین تئوری ارزش افزونه را بوجود می آورد و این تئوری را در اواخر سال های هزار و هشتصد و پنجاه کامل می کند. در آثاری که او قبل از این تاریخ نوشته است، هنوز از اصطلاحات «ارزش کار» و «قیمت کار» استفاده می کند. هم چنین مارکس در نوشته های بعدیش به جای «فروش کار» یا «فروش نیروی کار» از اصطلاحات «ارزش نیروی کار» و «قیمت نیروی کار» استفاده می کند.

مارکس در «فقر فلسفه» استنباط خود را از اهمیت تاریخی جنبش انقلابی طبقه کارگر را دقیقاً تشریح کرده و به نقشی که مبارزات اقتصادی، اعتصابات و اتحادیه های کارگری در پروسه تشکل و تعلیم انقلابی توده های پرولتری ایفا می کنند، اشاره کرده و این اندیشه را بیان می دارد که پرولتاریا، آگاهی طبقاتی و آگاهی سوسیالیستی کسب کرده و نقش انقلابی خود را در رابطه با سازمان سیاسی - اقتصادی جامعه سرمایه داری، درک خواهد کرد و با شیوه بیان خود می گوید

توده ای که «طبقه ای در برابر سرمایه بوده ولی هنوز برای خود طبقه ای نیست» باید به صورت «طبقه ای برای خود» در آید. در این اثر، مارکس تز مهم وحدت مبارزه اقتصادی و سیاسی را فرمول بندی نموده و تأکید می کند که مبارزه سیاسی برای سرنگونی سلطه سیاسی بورژوازی از نظر رهایی طبقه کارگر واجد اهمیت تعیین کننده ای می باشد.

مطالعه «فقر فلسفه» اثر کارل مارکس، به تمام کارگران پیشتاز انقلابی توصیه می شود. امروز در آستانه اول ماه مه ۱۳۸۴ در ایران، همانند زمانی که این اثر نگاشته شد؛ مبارزه با رفرمیزم و گرایشات مماشات جو در درون جنبش کارگری؛ در راستای تدارک انقلاب کارگری آتی ایران، حائز اهمیت است. امیدواریم انتشار این اثر، کمکی باشد به کارگران پیشتاز انقلابی برای مقابله با نظریات رفرمیستی و در راستای ایجاد حزب پیشتاز انقلابی و تدارک سرنگونی سلطه سیاسی سرمایه داری و تحقق انقلاب کارگری برای رهایی خود از شر ظلم نظام سرمایه داری و به دست خود.

م. رازی

اردیبهشت ۱۳۸۴